


خبرنامه
 شماره ۱۲۶ تاریخ ۷، ۳، ۶۰

جنگ ارتجاعی ایران و عراق

تشدید سرکوب مردم مریوان

■ اکنون دیگر اثرات ویرانگرانه جنگ ارتجاعی ایران و عراق، برای بیشتر زحمتکشان میهنمان روشن شده است زیرا زندگی آنان را عملاً با مشکلات جدی تری روبرو ساخته است.

آوارگی، تشدید بیکاری و گسرنی ارزاق عمومی و حیاتی زندگی - و نیز تشدید خفقان و سرکوب - همگی از "خیرات" این جنگ ضد انقلابی برای کارگران و دیگر زحمتکشان است. رژیمهای ضد انقلابی ایران و عراق، خون و زندگی زحمتکشان را وسیله حفظ و توسعه سرمایه، سرمایه داران کشورهای خود قرار داده اند و بیدریغ آنان را قربانی سیاستهای ارتجاعی خود میسازند.

رژیم ارتجاعی ایران، از جنگ بعنوان وسیله ای برای اعمال بیشتر دیکتاتوری استفاده کرده و هر نوع اعتراض و مخالفتی را - ولو کوچک - به این بهانه، سرکوب میکند: کارگران - بخاطر جنگ - باید بیشتر تولید کنند، سود بیشتری بجیب سرمایه داران، بریزند و مخارج زرادخانه جمهوری اسلام را تامین کنند. و هرگاه بخواهند برای کسب مزد بیشتر به مبارزه برخیزند - باز به بهانه جنگ - ۳۰٪ پاسناران را در مقابل خود می بینند. رژیم بمنظور ایجاد خفقان بیشتر و سرکوب انقلابیون، دادگاه زمان جنگ برای آنان تشکیل میدهد و ...

هر چند اثرات زیانبار ناشی از جنگ، عمومی است ولی در مناطقی که در محدوده صحنه های جنگ هستند، این اثرات شدت بیشتری دارند. در این مناطق، رژیم به ویرانی خانه و کاشانه اهالی اکتفا نمیکند، بلکه خود زحمتکشان را نیز بعنوان گوشت دم تسویب در صحنه های نبرد با زور نگاه میدارد و اگر کسانی اعتراض کنند، بنام خائن معرفی شده و گاه به جوخه اعدام سپرده میشوند.

مریوان یکی از صحنه های جنگ است و گزارش راکه در زیر میخوانید، گوشه هایی از فجایع رژیم را در این منطقه نشان میدهد:

حدود یکماه قبل، مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به روستاهای مسیر مریوان - دزلی حمله کرده و اهالی را بزور اسلحه از روستاها بیرون می کشند. مزدوران آنان را زیر سر نیزه به جبهه جنگ برده و برای حمل و نقل آذوقه و بقیه در صفحه ۲

■ پیشمرگان کومه له، طی دو نبرد جداگانه، تعرض نیروهای رژیم را به روستاهای سنج در هم شکستند. و یکی از این نبردها که ۷ ساعت طول کشید:

- ضربات سنگینی بردشمن وارد آمد؛
- تعدادی از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند؛
- فرمانده سپاه پاسداران سنجج به هلاکت رسید.

● چنانچه در خبرنامه ۱۲۵ به اطلاعاتتان رسید، تعرض گسترده نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به روستاهای اطراف کامیاران، بوسیله پیشمرگان کومه له در هم شکسته شد. ارا به جنگی رژیم، این بار بسست روستاهای اطراف سنجد (کیلانه، مه ریزان و...) بحرکت افتاد تا زحمتکشان بیشتری را مورد تهاجمات دشمنانه خود قرار دهد، زندانیشان کند، و هرگونه ندای آزادخواهی را با گلوله پاسخ گویند و بالاخره "امنیت" موعود را برقرار سازد. لیکن انگار از مقاومت سرسختانه همین چند روز پیش، پیشمرگان انقلابی در روستای "طا" (کامیاران) بی خبر بودند تا بتوانند نتایج تعرض کنونی خود را پیش بینی کنند. اینجانب نیز همانند "طا" مقاومت سرسختانه پیشمرگان، نیروهای سرکوبگر را عقب راند؛ بقیه در صفحه ۲

بقیه - جنگ ارتجاعی

و مهمات و ساختن سنگر به کارشان و امید دارند .

چندی پیش یکنفر از اهالی سیروستای "ذکرینسان" که به

عنوان اعتراض از رفتن به جبهه خود داری میکند هدف رگبار مسلسل

آنها قرار میگیرد و شهادت میرسد . ● در روزهای ۲۱ و ۲۲ / ۲ / ۱۳۶۰

نیروهای سرکوبگر رژیم تمام راههای ارتباطی روستاهای اطراف مریوان

و مسیر مریوان - دزلی را بسته و سایل نقلیه و اهالی این روستاها را

که قصد رفتن به شهر را داشتند متوقف کرده و آنها را به جبهه میبرند .

همچنین در داخل شهر با بلندگو مردم را برای گرفتن سهمیه نفت و

بنزین خود به محل پمپ بنزین نسیرا میخوانند ، ناگهان جاشها و پاسند

- اران آنها را محاصره کرده و روانه جبهه اورامانات میکنند . در خیابان

و کوچه های شهر نیز مردم را دنبال کرده و با زور دستگیر و سوار ماشین

میکند تا به جبهه اعزام دارند و کسانی را که اعتراض میکنند مورد ضرب

و شتم قرار میدهند . یکی از شاهدان عینی که اورا با

زور به جبهه اورامانات برده بودند میگفت :

" ما حدود ۵۰۰ نفر بودیم و به دو دسته ۲۵۰ نفری تقسیم شدیم . به

هر نفر مقداری مهمات و آذوقه دادند تا به ارتفاعات "تهته" ببریم . در آن

جای مزدوران رژیم را وادار به ساختن سنگر کردند . بعد از مدتی کار کردن

با اعتراض محل را ترک کردیم . هنگامیکه ما کار میکردیم توپخانه ایران

مرتباً مواضع مزدوران عراق را میکوبید و عراق نیز آن محل را توپ باران میکرد

در نتیجه ۳ نفر از ما زخمی شد که در ونفر از آنها اهل روستاهای لنج آباد و

سیانابودند و بقیه فرار کردیم . هم اکنون رژیم همچنان به این عمل وحشیانه خود ادامه میدهد . در

حالیکه بوسیله راد یومحلی مریوان

از اهالی شهر و روستاهای کردنشین عراق میخواهد خانه های خود را ترک

کنند تا به اصطلاح در امان باشند خود مردم شهر و روستاهای اطراف

مریوان را با زور بمیدان جنگ میبرد . اهالی روستاهای اطراف مریوان

و مسیر مریوان - دزلی از ترس حمله جاشها و پاسداران بسرای

دستگیری و اعزام آنان به جبهه ، شبانه مجبور به ترک خانه و کاشانه خود میشوند .

گسترش جنگ ایران و عراق باعث شده که اهالی روستاهای بایهوه ،

باشماخ ، مرانه ، ساوا ، میرآباد ، کانی میران ، بوده ره شه ، کیسکن ،

دزلی ، دهره کی ، دمه یو ، دوله بی سهر دوش ، لیوی حاجی ، لیوی

محمود بیگ ، خانه شیخان ، محمد و سیف پائین خانه و کاشانه و مزارع خود

را رها کرده و دامهای خود را بقیمت بسیار ارزان بفروشد و به جاهای

امن تری پناه ببرند .

بقیه - پیشمرگان کومه له

● ۳ / ۳ / ۶۰ - ستونی از نیروهای دشمن - نیمه های شب - بسعت

روستاهای "کیلان" ، "مهریزان" و "دادانه" حرکت میکنند . سحرگاه در

روستای کیلان مینی بوس حامل کارگران را که طبق معمول برای کار به شهر می

رفتند ، زیر رگبار کالیبر ۵۰ گرفته و جوانی ۱۵ ساله بنام رحمت گویلی را به

شهادت میرسانند و سایر کارگران را که به این عمل جنایتکارانه آنان اعتراض می

کنند مورد اذیت و آزار قرار میدهند . سپس ۳ نفر از اهالی بیدفاع روستا

راد دستگیر میکنند . پیشمرگان کومه له همراه با پیشمرگان

بیکار که در آن حوالی بودند به محض اطلاع به مقاومت و تعرض دست میزنند

و نیروهای دشمن را زیر آتش سلاحها خود میگیرند .

نیروهای مهاجم پس از مدتی تلاش مذبحانه ، نتوانستند به پیشروی ادامه

دهند و ناچار در ساعت ۹ صبح عقب نشینی کردند .

در این نبرد تعدادی از نیروهای سرکوبگر کشته و زخمی شدند و یکی

از پاسداران با سلاح و مهماتش به اسارت پیشمرگان درآمد . پیشمرگان

سالم به پایگاههای خود بازگشتند . ● ۵ / ۳ / ۶۰ - سحرگاه ما یسن روز

ستونی مرکب از چند خود روحا مسل پاسداران ، افراد بسیج و جاشها

مجدداً برای "پاکسازی" بطرف روستاهای "کیلان" ، "زنان" و "ملکشان" حرکت نمود . پیشمرگان

کومه له که از حرکت آنان مطلع گشته و به کمین دشمن نشسته بودند ، ساعت

۵ / ۵ صبح آنان را زیر آتش سنگرها و سنگین خود قرار دادند . در همان

لحظات اول یک جاش کشته شد . دشمن که قصد پیشروی داشت ، به

دفاع پرداخت ولیکن دیگر کشته داد . در این حال اتومبیل سیمرغ

حامل نیروهای دشمن همراه با تعدادی افراد پیاده ، به قصد

پیشروی حرکت نمود . پیشمرگان کومه له دوباره آنان را زیر آتش خود

گرفتند و خدمه کالیبر ۵۰ را به هلاکت رساندند . در این جریان

دو فروند هلیکوپتر در آسمان منطقه ظاهر شدند و در نهایت با راکت

و کالیبر ۷۵ مواضع پیشمرگان را بشدت کوبید که بر اثر اصابت یکی از آنها

بولد و زرجها د سازندگی که در منطقه بود منهدم گردید . به تد ریح نیروهای

زیادی به کمک دشمن در حال شکست شتافتند . نیروهای دشمن

در تمام مدت درگیری مواضع پیشمرگان و روستاهای نزدیک درگیری را با خمپاره ۸۱ میلی متری میکوبیدند

شدت درگیری به حدی بود که مزدوران رژیم نمی توانستند کشته هلی

خود را جمع کنند ، بطوریکه سعی کردند مردم را سپر خود قرار داده

تا بتوانند به این وسیله اجساد کشته و زخمی های خود را جمع آوری

کنند .

مبارزات کارگران شیر با ستوریزه مشهد

بعد از انتصاب یکی از اعضاء سپاه پاسداران به سمت مدیرعامل کارخانه شیریا ستوریزه منطقه خراسان، يك ساعت برساعات کار کارگران افزوده شد. کارگران که قبلا با مبارزات خود ۴۴ ساعت کار در هفته با احتساب رفست و برگشت را بدست آورده بودند، روز ۶۰/۱/۲۱ اعتراض کرده و خواهان بازگشت ساعات کار به حالت اول شدند. به دنبال این قضیه فردای آنروز و نفر از کارگران مبارز را اخراج مینمایند. کارکنان که در اواخر سال گذشته نیز شاهد اخراج کارگران مبارز توسط هیئت به اصطلاح "پاکسازی" بودند، شروع به اعتراض کرده و خواهان انحلال هیئت "پاکسازی" و جلوگیری از این اخراجهای بی رویه شدند.

بدین منظور روز ۶۰/۱/۲۹ کارگران دست از کار کشیده و شعار اخراج مدیرعامل و هیئت "پاکسازی" را میدهند. مدیرعامل مزدور از ترس کارگران پایه فرار گذاشته و پسه ژاندرمری متوسل میشود. اما کارگران با عزمی استوار قطعنامه ای شامل مواد زیر صادر میکنند:

- ۱- تشکیل شورای واقعی.
- ۲- بازگسرداندن دولت.
- ۳- تعیین تکلیف کارگران موقت.
- ۴- اخراج مدیرعامل و تعیین جانشین ذیصلاح.

آنگاه کارگران به انتخاب شورایی پرداخته و پیگیری سه ماده دیگر قطعنامه را پیش رویش میگذارند. فردای آنروز کارگران هنگام مراجعت به کارخانه با ژاندارمهای مسلح (سه افسر و ۵ ژاندارم) که اسلحه رابه طرفشان گرفته بودند، مواجهه بقیه در صفحه ۴

عقب رانده شدند. در این درگیری ۳ تن از نیروهای دشمن کشته و ۲ نفر زخمی شدند و به پیشمرگان آسیبی وارد نیامد. پیشمرگان بعد از دفع حمله مزدور رژیم وارد روستا شدند و مورد استقبال گرم روستائیان قرار گرفتند. جاشها و پاسداران در این سورش مقدار قابل توجهی نفت و روغن اهالی "نه‌وره" را غارت کرده و یک زن روستائی را بشدت کتک‌اری کردند.

حمله مزدوران رژیم به توده‌های بی‌مسکن در کوهانشا

در اواخر فروردین ماه ۶۰ پیش از سیصد خانوار از توده‌های بی‌مسکن آبارتانه‌های خالی منطقه آباردانی و مسکن را مصادره نمودند.

رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی برای سرکوب مصادره کنندگان بی‌مسکن بلافاصله توطئه‌چینی را آغاز نموده و ارگانهای سرکوبگرش را بکار انداخت. ابتدا ژاندارمها مامور سرکوب مصادره کنندگان شدند. اما چون آنها نتوانستند کاری از پیش ببرند مقامات رژیم پاسداران سرمایه را برای بازپس گرفتن خانه‌ها روانه کردند. وحشیگری پاسداران نیز بدلیل مقاومت مصادره کنندگان موفقیت چندانی نداشته و با شکست روبرو شد. آنها که از پاسداران نیز ناامید شده بودند به توطئه دیگری متوسل شدند و بدین منظور به آوارگان جنگ ارتجاعی ایران و عراق اعلام کردند شما بروید از آبارتانه‌های "آبادانی و مسکن" استفاده نموده و در آنجا ساکن شوید. مقامات رژیم بدین ترتیب با استفاده از ناآگاهی توده‌ها ورود رزق را در آن آنهاست. همچنین بعلمت عدم وحدت کافسی مصادره کنندگان موفق به بیرون راندن آنها شدند.

نمایند ولی مردم مبارز منطقه با وجود آنکه زیر فشار وادیت و آزار آنسان قرار داشتند از ستورا تشان سرپیچی میکردند. دشمن تعداد ۲۲ نفر از اهالی کیلانه را دستگیر و با خود برد. پس از مدتی دوباره هیلیکوپترها ظاهر و در زیر حمایت آتش آنها آمبولانستها اجساد را جمع آوری می کردند. درگیری تا ساعت ۱۲/۵ یعنی حدود ۷ ساعت طول کشید. و بالاخره مقاومت و تعرض پیشمرگان کومهله، دشمن را واداره عقب نشینی نمود. در این درگیری تعداد زیادی از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند که راد یونسندج خود به همراهی از آنها اعتراف کرد. یکی رکشته شدگان فرمانده سپاه پاسداران سنندج بود. ماست در ضمن چند خود رود دشمن آسیب دید. در پایان نبرد پیشمرگان سالم به پایگاههای خود بازگشتند. در این جریان پیشمرگان بیکار یا پیشمرگان کومهله همکاری داشتند.

مقاومت قهرمانانه پیشمرگان کومهله روحیه مبارزاتی مردم روستاهای منطقه را بالا برده است و هنگامیکه پیشمرگان بروستاها بازگشتند، مورد استقبال پرشور و کم نظیر اهالی قرار گرفتند.

نیروهای دشمن زیر ضربات پیشمرگان سازمان

بیکار

۶۰/۲/۲۷ - ظهر این روز ستونی متشکل از پاسداران و جاشها با ۱۷ خود رو و چند قبضه کالیبر ۵۰ خمپاره انداز به روستای "نه‌وره" حمله کردند. پیشمرگان سازمان بیکار که در آبادیها مجاور "نه‌وره" به سر میبردند به محض اطلاع بلند بیهای "نه‌وره" را به تصرف در آوردند و نیروهای دشمن را مورد حمله قرار دادند. درگیری از ساعت ۲ تا ساعت ۷ بعد از ظهر ادامه داشت که در نتیجه آن نیروهای سرکوبگر رژیم



به یاد پیشگام انقلابی کومله

شهید کاک صابر مرادی اقدم

✍

کاک صابر - یکی از پیشمرگان آگاه کومه له - در تاریخ ۲۷ / ۱۲ / ۵۹ پس از مبارزات خستگی ناپذیر خود ، علیه رژیم ضد انقلابی ایران و مزدوران وابسته به بعث زرگاری ، هنگامیکه تازه از زندان زرگاری آزاد شده بود ، بدست نیروهای رژیم بشهادت رسید .

کاک صابر در سال ۱۳۳۸ در شهرک نوسود ، در خانواده ای زحمتکش ، دنیا آمد . پس از اتمام دوره راهنمایی در نوسود ، تحصیلات خود را در کرمانشاه ادامه داد و در جریان قیام بهمن ماه به نوسود بازگشت و فعالانه در مبارزات مردم علیه رژیم شاه مسز و شرکت کرد .

بعد از قیام - با آگاهی بیشتر - برای ادامه فعالیت انقلابی به یکی از جمعیت های دموکراتیک کردستان پیوست . به هنگام یورش ارتجاعی ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ رژیم به کردستان ، کاک صابر بوسیله پاسداران و جاسهای مزدور دستگیر و روانه شکنجه گاه های رژیم گردید . در زندان جمهوری اسلامی بارها مورد آذیت و آزار شکنجه مزدوران قرار گرفت ، لیکن هیچکدام از اینها نتوانست لب را زدنش را بگشاید و وی همچنان استوار و بدون تزلزل به مقاومت پرداخت . به هنگام ورود پیشمرگان به نوسود کاک صابر از زندان رژیم آزاد شد و بعنوان یکی از رهبران فعال کومه له ، فعالیت انقلابی خود را ادامه داد .

در جریان دومین یورش سرتاسری رژیم به کردستان و در بهار ۵۹ به صف پیشمرگان کومه له پیوست و در اکثر نبردهای کومه له با نیروهای رژیم در نوسود شرکت داشت .

کاک صابر در یکی از مأموریت های سازمانش ، در حالیکه از کامیاران رهسپار نوسود بود ، از طرف مزدوران وابسته به بعث "زرگاری" دستگیر و زندانی شد . مزدوران زرگاری وی را در روستای تهویله "عراق زندانی کردند ، کاک صابر در داخل زندان نیز به اشکال مختلف علیه مزدوران زرگاری اعتراض و مبارزه میکرد .

سرانجام پس از ۵ ماه از زندان زرگاری آزاد شد و هنگامیکه میخواست از روستای "تهویله" به ایران بازگردد بر اثر گلوله خمپاره نیروهای رژیم جمهوری اسلامی بشهادت رسید و بدین ترتیب ، در سپه ای گرانبھائی از مبارزه و مقاومت علیه ارتجاع و دیکتاتوری و وفاداری به آرمان طبقه کارگر را ، برای ما به میراث گذاشت . یادش را با درس گیری از مبارزاتش گرامی میداریم .

رهایی زحمتکشان بشهادت میرسد و اکنون که او در میان ما نیست فرزندان دیگر راهش را ادامه خواهند داد . مراسم باخواندن سرودی انقلابی از طرف یکی از پیشمرگان کومه له پایان پذیرفت .

حزب جنگی را به کومه له تحمیل کند که به جنبش مقاومت لطفاً شدید وارد سسنازد . در این جریان ما در شهید نیسز برای حاضرین سخنرانی کرد و گفت : اسمعیل میدانست روزی در راه

میشوند . مزدوران رژیم جمعا ۱۴ نفر از کارگران و کارکنان را به دادگاه جلب کرده و از بقیه می خواهند که با دادن تعهدی مبنی بر عدم اعتصاب به سرکار بروند . اما کارگران با عزمی استوار و یکصد اعلام میکنند که هیچکس تعهد نخواهد داد و اینکه همه برای حمایت از رفقای شان به دادگاه خواهند رفت .

پس از آنکه اقدامات فوق نتوانست در عزم کارگران خللی وارد کند رژیم به حربه اصلی یعنی سرکوب متوسل گردید . آنها برای سرکوبی ۱۸ کارگر و کارمند مبارز کارخانه ، تمامی امکانات سرکوبگری خود از پاسدار و زاندارم و بسیج گرفته تا یک اتوبوس جماعت را به خدمت گرفته و به کارخانه یورش میبرند . در این جدال نابرابر که به قول یکی از کارگران "تعداد کارگران از تعداد تفنگها کمتر بود" ، اگرچه تعداد زیادی دستگیر میشوند ولی باردیگر وحشت رژیم سرمایه داری از قدرت کارگران بجزش در مقابل اراده آنها آشکار میگردد . مزدوران رژیم با گرفتن تعهد اغلب دستگیرشدگان را آزاد مینمایند . اما کماکان ۴ کارگر و کارمند مبدع سازد رات اسارت آنها باقی میمانند و مبارزات کارکنان انقلابی برای آزاد ساختن آنها و پیگیری خواسته های شان ادامه دارد .

بنقل از بهیکار ۱۰۴

بقیه مراسم باشکوه بر مزار شهید گرد آمدند . ابتدا سرود آنترناسیونال خوانده شد و سپس پیامهای کومه له ، خانوادہ شهید و کمیته زنان قرائت گردید . مسئول کومه له پس از اشاره به سیاستهای سرکوبگرانه رژیم ، مناسبات دوساله اخیر کومه له و حزب دمکرات را تشریح کرد .

در پیام خانوادہ شهید آمده بود : مردم مبارز کردستان باید مانع اجرای سیاستهای ضد دموکراتیک حزب شوند . اگر خلق کرد در این جریان دخالت نکنند ، ممکن است

کمکهای دریافت شده

نام - کد	مبلغ به ریال
ب-ک - ۱۰ - معلم	۵۰۰۰
سنندج دانش آموزان	۵۰۰
خاقانی	۲۵۰
پنج کارگر	۵۰۰۰
دانش آموز هوادار	۲۵۰
سنندج	۱۵۰۰۰
خسرو - سنندج	۲۵۰۰۰
بازاریان سنندج	۲۵۰۰۰
تهران - سلان یک	۵۰۰۰
دختر هوادار	۴۰۰۰۰
یک زن هوادار	۲۰۰۰
آ - ۳ - ۴۰	۱۰۰۰
غ - ن - ارومیه	۱۱۱۰۰
نسا ربک - تهران	۵۰۰۰۰
سنندج - کاکو	۳۴۰۰
رضیق ک	۵۹۰۰۰
رضیق آ	۲۰۰۰
رضیق ر	۵۰۰
ن - ۶۰	۶۰۰
ن	۵۰۰
دانش	۳۰۰۰
رضیق سرساز	۲۴۰
ق - الف	۱۵۰
ن - ج	۱۵۰۰
م - ۲۲۲	۵۰۰
ع - ع	۲۰۰۰
رضیق سرساز	۲۵۰
۱۰۱	۵۰۰
غ - ۱۱۰	۵۰۰
ص - ۱۱۱	۱۰۰
رضیق ی - ۶۶	۴۰۰
غلام خلغی	۳۰۰
یک زن زحمتکش از نواب	۳۰۰
تبریز - الدوز ۲۵	۲۰۰۰
تبریز م - ل ۴۳	۲۰۰۰
(در چهار تنی)	۲۰۰۰
یک کارگر نانوايي سنندج	۲۰۰۰

رضیق ف - تهران

تهران رضیق

کوبن بنزین
۱۲۰ لیتر

کوبن بنزین
۶۰ لیتر

۵۰۰۰
۲۰۰۰
۲۰۰۰
۲۰۰۰
۱۰۰۰۰
۱۵۰۰
۵۳۰۰۰
۱۰۰۰
۶۰۰

و - ر - ۱۰
ح - ص - ۱۰
ص - س - ۱۰
به پوله - ۱۰
الف - الف - ۵۸
م - شیراز
آرش - ایروانات
مزدک - زحمتکش
مازیار - آواره - کرمانشاه

ارومیه

۲۵۰۰
۱۰۰۰
۱۶۰۰
۱۰۰۰
۵۰۰۰
۴۰۰۰
۵۰۰۰
۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰
۱۵۰۰
۱۰۰
۱۰۰
۱۰۰۰۰
۵۰۰۰
۵۰۰۰
۵۰۰
۵۰۰
۲۴۰
۱۵۰
۱۵۰۰
۵۰۰
۲۰۰۰
۲۵۰
۵۰۰
۵۰۰
۱۰۰
۴۰۰

ش - ۳۵
ح - آبادان
غ - ن (در دوتنیت)
م - ن (در دوتنیت)
ن - ل
ه - ۱۱۱
هسته - هوادار و فتای دختر
ل - ۱۰۰
دامون
نازی / نواب / پرستو / نسوین
هر کدام
م - ک - ۴۴
ن - ۵۰
د - ظ (ماهانه)
ه - ا (ماهانه)
ک - ب (ماهانه)
چند هوادار
ع - ۳۰

مراسم باشکوه خاکسپاری و تجلیل از شهید کاک اسماعیل حمزه ای

● همچنانکه اطلاع دارید کاک اسماعیل حمزه ای در تاریخ ۲۵/۲/۶۰ در جریان نبرد کومه له و دمکرات در سیسر بشهادت رسید. جنازه شهید اسماعیل در روز ۳ و ۴م شهادتش، طی مراسم خاصی با شرکت زحمتکشان روستاهای منطقه و بعضی از افراد خانواده شهید در "نجنی سفلی" (از روستاهای پانه) بخاک سپرده شد.

در روز سوم مراسمی بزمزار شهید کاک اسماعیل برگزار شد. آنچه که قابل ستایش است روحیه عالی خانواده شهید و مخلصان مبارز بود. هنگامیکه مادرش به مزار فرزند انقلابی رسید، جرروی آن خم شد و پرده سرخ روی مزار را بوسید و گفت: "این مکان رابه توتبریک میگویم، تو نسیم سردهای پیشمرگانی را که اکنون در برابر چشماتم می بینم، همگی برای من اسماعیل اند."

در هفتمین روز شهادت کاک اسماعیل، صدها نفر از مردم شهر با وجود مخالفت پاسداران و زحمتکشان منطقه، بدعوت کومه له، بقیه در صفحه ۴

هم میهنان مبارز!
نیروهای انقلابی ایران!
برای گسترش و تعمیق انقلاب، به
کمکهای مالی و تدارکاتی شما نیازمندیم.
ما را در این امر یاری دهید.

در خرداد ماه سال گذشته

تعدادی از پیشمرگان و مسئولین انقلابی سازمان ما در جریان مقاومت علیه یورش رژیم و در راه آرمان طبقه کارگر به شهادت رسیدند. جاننازلی و اراده آهنین آنها در ادامه آگاهانه مبارزه در سهای گرانمایی لها آموخت. باگتزش فعالیت انقلابی خود این آموزش را با برتر سازیم.

اسامی پیشمرگان شهید در خرداد ماه

- ★ **رحمن فیضی** پیشمرگ و پیش عضو - مسئول نظامی دسته در ۳/۳/۵۹ در نبرد های بانه به شهادت رسید
- ★ **منصور احمدی** پیشمرگ در ۳/۳/۵۹ در نبرد های بانه به شهادت رسید
- ★ **ماجد ظاهری** پیشمرگ و مسئول سیاسی در ۴/۳/۵۹ در نبرد های بانه به شهادت رسید
- ★ **عثمان باغبانی** پیشمرگ و مسئول نظامی دسته در ۴/۳/۵۹ در نبرد های بانه به شهادت رسید
- ★ **صالح دروله فی** پیشمرگ در ۴/۳/۵۹ در نبرد های بانه به شهادت رسید
- ★ **عمر حسینی** پیشمرگ در ۴/۳/۵۹ در نبرد های بانه به شهادت رسید
- ★ **یوسف** پیشمرگ در ۶/۳/۵۹ در شهر کامیاران اعدام گردید
- ★ **خسرو فکری** پیشمرگ در ۸/۳/۵۹ در نبرد های اطراف سنندج به شهادت رسید
- ★ **جمال رحمانی** پیشمرگ در ۸/۳/۵۹ در نبرد های اطراف سنندج به شهادت رسید
- ★ **رضا ذوالفقاری** پیشمرگ در ۸/۳/۵۹ در نبرد های اطراف سنندج به شهادت رسید
- ★ **طیب حاج میرزایی** پیشمرگ در ۸/۳/۵۹ در نبرد های اطراف سنندج به شهادت رسید
- ★ **یحیی حیات** پیشمرگ در ۸/۳/۵۹ در نبرد های اطراف سنندج به شهادت رسید

خمپاره باران دهات اطراف میانند و آب ادامه دارد.

● ۶۰/۲/۳۰ - در این روز ارتشیان مستقر رتبه گامیت گولی روستا های "ساری تمیش" حاجی لک، سرچار

واضراف رابه توپ و خمپاره بستند گنه خدساتی در روستا های مذکور بسیار آورد. همزمان با این خمپاره باران با سارا و جاشهای مزد و ریزنه روستای شاریتمیش حمله نموده و وارد آنجا شدند. آنها را این روستا به غارت اموال مردم برداختند. ● روز پنجشنبه ۶۰/۲/۲۴ ساعت ۶/۵ بعد از ظهر بار دیگر ارتشیان و پاسداران مستقر رتبه گامیشگی به طور ناگهانی شروع به خمپاره باران روستای ساریتمیش نمودند و فاصله کمی بیش از ۱۰ گلوله خمپاره به داخل ده شلیک کردند که در اثر آن یک دختر خرد سال هفت ساله بنام لیخا شهید و یک زن و یک جوان دیگر زخمی شدند و به چندین خانه زحمتکشان روستا آسیب وارد آمد. همزمان با آن روستای سرچار نیز توسط مزدوران رژیم خمپاره باران گردید.